

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال چهارم شماره ۹۶

۹ اسفند ۱۳۹۷ / ۲۸ فوریه ۲۰۱۹

حقوق ما

دیه



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: مریم دهکردی، معین خزائلی، نیلوفر جعفری، نقی محمودی

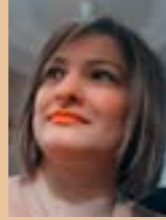
صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

دیه: همه در برابر قانون برابر نیستند



چیستی دیه و چگونگی تعیین آن:
قیمت جان آدمی در ایران چه قدر است؟



جبران خسارت های مادی در قانون ایران
با پرداخت ارش



بررسی راه حل های حقوقی جایگزین دیه
در قوانین کشورهای دیگر جهان

تورم قوانین کیفری: تعدد جمعیت زندانیان



چالش های دیه و قصاص:
آیا می توان دیه را جایگزین مجازات قصاص کرد؟



دیه: همه در برابر قانون برابر نیستند



نعیمه دوستدار

دیه، دیه یا خون‌بها از قوانین اسلام است و بر اساس تعاریف فقهی، مال یا پولی است که به سبب کشتن انسان یا نقص عضو به کسی که صدمه دیده است یا به بازماندگان او پرداخت می‌شود.

در تعریف حقوقی دیه کیفر نقدی است که از مجرم به نفع مجنی‌علیه یا قائم مقام او گرفته شود. میزان دیه از سوی شارع (دادگاه) برای جنایت تعیین شده است.

میزان دیه در دین اسلام برای مرد و زن مسلمان و مردان و زنان سایر ادیان متفاوت است و در چهار ماه قمری ذی القعدة، ذی‌الحجه، محرم و رجب که ماه‌های حرام هستند جنگ کنار گذاشته می‌شود و دیه افزایش می‌یابد.

این قانون به ظاهر ساده هم اما در قوانین ایران به یک قانون نابرابر تبدیل شده است. از سویی با توجه به اینکه دیه زن و مرد برابر نیست، همواره بحث‌هایی درباره دامن زدن این قانون به نابرابری‌های جنسیتی وجود داشته. بر اساس ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی، دیه زن نصف دیه مرد است و علت آن علاوه بر برخی دلایل فقهی، تفاوت جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان در برابر مردان ذکر شده است.

علاوه بر این نابرابری دیه مسلمانان و غیر مسلمانان هم بعد دیری از نابرابری در این قانون را نشان می‌دهد. قانون‌گذاران شریعت اسلامی در توضیح این نابرابری می‌گویند که «کافر حربی براساس رویارویی با اسلام جان و مالش محترم نیست و دیه ندارد.»

اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمانان تعیین می‌شود. این تغییر فرصتی برای طرح درخواست برابری دیه زن و مرد مسلمان ایجاد کرده: مطالبه‌ای که در تمام سال‌های بعد به نتیجه نرسید و تنها در سال ۱۳۸۶ از سوی هاشمی شاهرودی رییس وئت قوه قضاییه مطرح شد که که: «حکومت می‌تواند پرداخت مابه‌التفاوت دیه زن را قبول کند.»

براساس تغییر تازه، در رویدادهایی چون تصادف، اگرچه دادگاه‌ها طبق قوانین اسلامی، دیه زن را نیمی از دیه مردان دانسته و بر این مبنا حکم صادر می‌کنند اما شرکت‌های بیمه مابه تفاوت را می‌پردازند: امری که البته به معنای مساوی بودن دیه زن و مرد و تغییر نگاه قانون و فقه نیست. به علاوه قانون جدید، مشکل دیگر نابرابری دیه زن و مرد به حل نکرده: یعنی اگر یک زن توسط یک مرد کشته شود، خانواده مقتول تنها در صورتی می‌توانند قانون قصاص را اجرا کنند که نیمی از دیه کامل مرد را بپردازند.

در شماره جدید مجله حقوق ما به بررسی قانون دیه و تحولات آن پرداخته‌ایم.

هرچند در قوانین فعلی جمهوری اسلامی دیه مسلمان و اهل کتاب یکی است اما از آنجا که دایره کسانی که به نحوی می‌توانند در زمره کفار قرار بگیرند وسیع است، قانون‌گذاران توجهی به این امر نکرده و حتی این استدلال را مطرح می‌کنند که اگر دیه کافر کمتر باشد به شخصیت او توهین نشده چون اگر دیه براساس شخصیت بود باید دیه و قصاص انبیا و دانشمندان بیشتر باشد در حالیکه دیه آنان یکسان است.

همچنین بر اساس تعریف عدالت در اسلام، گفته می‌شود که عدالت به معنای مساوات و برابری نیست بلکه هر کس بر طبق شایستگی‌هایش از مواهب بیشتری برخوردار می‌شود و بر فرض که دیه مسلمان با غیرمسلمان یکی نباشد، ظلمی صورت نگرفته چون مسلمان براساس ایمان به خدا دارای ارزشی بالاتر است.

سال ۱۳۸۱ با مطرح شدن بحث برابری دیه مسلمان و غیرمسلمان تلاش‌هایی برای تغییر قانون صورت گرفت و سرانجام در تابستان ۱۳۸۲ مصوبه «مجمع تشخیص مصلحت نظام»، اعلام شد: «بر اساس نظر حکومتی ولی امر، دیه



چیستی دیه و چگونگی تعیین آن: قیمت جان آدمی در ایران چه قدر است؟



رضا حاجی‌حسینی

این سنت، از قبل از اسلام بر جای بوده است. در این چهار ماه جنگ به جز برای دفاع باید کنار گذاشته شود و دیه افزایش می‌یابد. نرخ اعلام شده دیه در سال ۹۷ اما ۲۳۱ میلیون تومان بود. طبق ماده ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی اما دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی یا غیرعمدی باشد، نصف دیه مرد مسلمان است. اما دیه از کجا می‌آید و چگونه تعیین و محاسبه می‌شود؟ دیه از ریشه کلمه «ودی» به معنای راندن و رد کردن است. بر اساس ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی، دیه مقدر، مال معینی است که در «شرع مقدس» به سبب جنایت غیرعمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جبهتی قصاص ندارد، مقرر شده است. یعنی دیه آن چیزی است که در مقابل قتل یا زدن آسیب به دیگری به اولیای مقتول یا فرد آسیب‌دیده پرداخت می‌شود و از آن در عرف عام به خون‌بها یاد می‌شود. به عبارت دیگر، دیه یا خون‌بها از قوانین اسلام است و در واقع مال یا پولی است که به دلیل کشتن یک انسان یا نقص عضو او یا صدمه به منافع اعضا (بینایی، شنوایی و ...) به کسی که صدمه دیده یا به بازماندگان او پرداخت می‌شود. از بین بردن هر یک از اعضای فرد هر انسان یا هر دو عضو از اعضای زوج، دیه کامل و از بین بردن هر یک از اعضای زوج، نصف دیه کامل آن اعضا را دارد؛ چه آن عضو از اعضای داخلی بدن باشد، چه از اعضای بیرونی.

نرخ اعلام شده دیه در سال ۹۷ هجری خورشیدی ۲۳۱ میلیون تومان بود که در سال ۹۸ به ۲۷۰ میلیون تومان رسید. نرخ جان آدمیزاد در ایران، در روزهای پایانی هر سال هجری خورشیدی برای سال بعد از آن تعیین و اعلام می‌شود. بر همین اساس غلامحسین محسنی اژه‌ای، معاون اول و سخنگوی سابق قوه قضاییه، روز دوشنبه ۱۲ اسفند ۹۷ دیه یک انسان در ایران را مشروط بر آنکه «مرد» و «مسلمان» باشد، اعلام کرد: «دیه یک مرد مسلمان برای ماه‌های غیرحرام در سال ۹۸، ۲۷۰ میلیون تومان تعیین شده که بر این اساس، در ماه‌های حرام ۹۰ میلیون تومان به این مبلغ اضافه می‌شود.» افزایش دیه در ماه‌های حرام در ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی به این ترتیب تصریح شده است که هرگاه رفتار مرتکب و فوت مجنی علیه هر دو در یکی از چهار ماه حرام یا در «محدوده حرم مکه» واقع شود، خواه جنایت عمدی و خواه غیرعمدی باشد، علاوه بر دیه نفس، یک سوم دیه نیز افزوده می‌شود. ماه‌های حرام عبارتند از ذی‌القعدة، ذی‌الحجه، محرم و رجب. منابع فقهی در ذکر دلیل حرمت این چهار ماه گفته‌اند هدف از این کار ایجاد امنیت برای افرادی بوده است که می‌خواستند حج بروند یا تجارت کنند و به سلامت به شهر خود برگردند.



۱۳۷۳، هر جنایتی که بر عضو کسی وارد شود و شرعاً مقدار خاصی به عنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد، کسی که مرتکب جرم شده است باید بر اساس شترمرغ ارش پردازد. تعیین ارش معمولاً با کارشناسی پزشکی قانونی و رای دادگاه است.

میزان دیه برای جنایات و تصادف‌های جرحی از سوی دادگاه تعیین می‌شود.

معیار محاسبه نرخ دیه کامل، ارزش ۱۰۰ شتر است. محاسبه دیه در اسلام اما علاوه بر ۱۰۰ شتر، موارد دیگری را هم شامل می‌شود: ۱۰۰ گاو، ۲۰۰ حله (لباس ابریشمی)، هزار گوسفند، هزار دینار و ۱۰ هزار درهم.

کسی که به پرداخت دیه محکوم شده باشد، می‌تواند با اختیار خود یکی از این موارد را انتخاب کند یا اگر طرفین با هم توافق کنند، می‌تواند رقم توافق شده را پردازد.

در منابع فقهی دلایل مختلفی برای تعیین این موارد به عنوان معیار دیه گفته شده است که از میان آنها می‌توان به در دسترس نبودن پول نقد یا طلا برای همه و در همه جا اشاره کرد. به همین دلیل موارد مختلفی در نظر گرفته شده است تا امکان توافق و پرداخت دیه فراهم شود.

در کنار دیه اما از ارش هم باید یاد کرد. ارش نوعی دیه است که در قانون از قبل تعیین نشده است.

بر اساس ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۵ بهمن

افزایش نرخ دیه با بالا رفتن قیمت شتر ایرانی
در ایران اما شترهای ایرانی تعیین‌کننده نرخ پایه دیه انسان هستند.

آنچه به عنوان دلیل این امر مطرح شده است این است که چون شتر در بین موارد دیگر قیمت کمتری دارد، به عنوان معیار در نظر گرفته می‌شود.

با گران شدن قیمت شتر، نرخ دیه هم افزایش می‌یابد. مسئول تعیین نرخ دیه اما رییس قوه قضاییه است.

ذبیح‌الله خداییان، معاون حقوقی قوه قضاییه در سال ۹۴ گفته بود دستگاه قضایی هیاتی تشکیل داده و نرخ شتر را در تمامی استان‌ها اخذ کرده که به ریاست قوه قضاییه اعلام کند تا بر

جبران خسارت‌های مادی در قانون ایران با پرداخت ارش



نقی محمودی

مدنی و تجاری و دیات بحث شده است.

ارش به معنای دیگر، تفاوت قیمت سالم و معیوب است. خریداری که کالایی خریده و معیوب از کار در آمده است خیار عیب دارد و بین فسخ عقد و بین موافقت با آن و گرفتن ارش (ما به التفاوت قیمت صحیح و معیوب) مخیر است. در استحقاق ارش در صورت آشکار شدن عیب بین وضعیتی که عیب در بهای پرداختی کالا باشد یا در کالای مورد معامله، تفاوتی نیست؛ ولی از آنجا که بهای کالا بیشتر پول نقد است، و شکل، رنگ و سایر خصوصیات کمی و کیفی، در ارزش آن تأثیری ندارد، بحث پیدایش عیب در کالا، بیشتر در کلمات فقها مطرح است.

اگر خریداری کالایی خریده باشد و کالای مذکور فاقد وصف مندرج در عقد یا توافق نباشد، خریدار خیار عیب دارد و بین فسخ عقد و بین موافقت با آن و گرفتن ارش (ما به التفاوت قیمت صحیح و معیوب) مخیر است.

در استحقاق ارش در صورت آشکار شدن عیب بین وضعیتی که عیب در بهای پرداختی کالا باشد یا در کالای مورد معامله، تفاوتی نیست؛ ولی از آنجا که بهای کالا بیشتر پول نقد است، و شکل، رنگ و سایر خصوصیات کمی و کیفی، در ارزش آن تأثیری ندارد، بحث پیدایش عیب در کالا، بیشتر در کلمات فقها مطرح است.

ارش بخشی از بهای پرداختی کالا است بدین معنا که مقداری از بها در مقابل صفت سالم بودن کالا قرار می‌گیرد و خریدار حق دارد آن را از فروشنده بازپس گیرد یا به عنوان غرامت است بدین معنا که تمامی بهای کالا به فروشنده منتقل شده

مقدمه: صرف‌نظر از این که خسارت وارده به قربانی جرم در بعضی مواقع خاصه در بحث خسارت معنوی، قابل جبران با پرداخت پول نیست یا در بعضی مواقع، به صورت کامل جبران خسارت نمی‌کند. با این وصف، جبران خسارت زیان دیده، چه به واسطه ارتکاب جرم عمدی یا غیر عمدی و چه به واسطه تخلف از شرایط یک قرارداد حقوقی یا تجاری، یکی از دغدغه‌های اصلی قانونگذاری، سیستم‌های حقوقی و دادگستری است. چه، ورود خسارت ناشی از فعل عمد، فعل غیر عمد یا ترک فعل باشد.

حتی اجرای مقررات تاسیسات حقوقی مثل آزادی مشروط و تعلیق مجازات در مورد محکوم علیه، منوط به پرداخت خسارت مدعی خصوصی و بزه دیده است.

جبران خسارت مادی و معنوی، به صورت موازی مورد تأکید و توجه قانون‌گذاران بوده است. قانون مسئولیت مدنی، یکی از قوانین مدون در ایران است که در اشکال مختلف به انواع خسارت‌های مادی و معنوی پرداخته است. در قوانین جزائی فعلی در ایران که مقتبس از فقه شیعه است، ابواب متعددی به مباحث دیات و ارش اختصاص یافته است.

تعریف و حدود و ثغور ارش

ارش، مقدار مالی است که به عنوان جبران خسارت مالی یا بدنی که در شریعت برای آن اندازه‌ای مشخص نشده به خسارت دیده پرداخت می‌شود و از آن در باب‌های قراردادهای



یک کنشگر مدنی در داخل ایران که خواسته است نامش فاش نشود، در این باره می‌گوید: «موضوع دیه گرچه در جریان از بین رفتن یا آسیب دیدن یک انسان مورد توجه است اما در موارد منجر به قتل در واقع تبدیل شده است به وجه‌المصالحه. یعنی در واقع عددی است توافق شده بین اولیای دم و خانواده قاتل برای اینکه قصاص انجام نشود. وجه‌المصالحه‌ای که متأسفانه هیچ سقفی ندارد.»

بر این اساس مقدار دیه‌های طلب شده افزایش زیادی نشان می‌دهد. دیه‌هایی که به چند صد میلیون و گاهی چند میلیارد هم رسیده است. دی ماه سال ۹۴، فردی که در ۲۲ سالگی در یک نزاع در تهران مرتکب قتل شده بود، با پرداخت دیه دو میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومانی به خانواده مقتول رضایت گرفت.

این فعال مدنی می‌گوید: «بحث قصاص و دیه از اسلام نشأت گرفته و وارد قوانین موضوعه شده است. در آیات قرآن آمده که خانواده اولیای دم نسبت به خانواده قاتل دچار تسلطی خواهند شد که آن را خداوند داده است. بر اساس این تسلط آنها می‌توانند قصاص کنند، اما اگر ببخشند بهتر است و همچنین می‌توانند دیه بگیرند. در همان آیات آمده است که اگر خواستند دیه بگیرند یا به هر نحوی تسلط خودشان را اجرا کنند بهتر است زیاده‌روی نکنند. با وجود این در ایران فضا کاملاً سلیقه‌ای و احساسی‌ست و هر کسی کار خودش را می‌کند. قانون اما با سلیقه کار ندارد چرا که عدد دیه مشخص و دقیق است و هر سال اعلام می‌شود. اما وقتی که قصاص اتفاق می‌افتد، قضیه بی در و پیکر می‌شود.»

اساس آن تصمیم‌گیری و نرخ دیه اعلام شود. ۲۹ دی ماه ۹۴ هم خبرگزاری خانه ملت از قول موسی غضنفرآبادی، عضو وقت کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس نوشت: «قوه قضاییه نرخ دیه را بر حسب قانون و بر اساس تورم و ارزش مواردی که برای دیه مورد نظر واقع شده، تعیین می‌کند که حداقل آن قیمت شتر است.»

همان زمان، اعظم مؤمنی، وکیل پایه یک دادگستری به خبرگزاری مهر گفت: «در ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی معیار برای انتخاب شتر، گاو و گوسفند عبارت است از سلامت حیوان، بی‌عیب بودن و این که خیلی هم لاغر نباشد. همه ساله مناقش‌های در میان است که دولت همیشه به نوعی خواستار رعایت نرخ تورم در تعیین میزان دیه و کاهش درصد رشد قیمت شتر است.»

این وکیل دادگستری از تلاش شرکت‌های بیمه برای پایین نگه داشتن نرخ دیه خبر داد و گفت این شرکت‌ها اقدام به واردات شتر و پرورش آن کرده‌اند تا بتوانند با پایین آوردن و متعادل کردن قیمت شتر، مانع افزایش نرخ دیه شوند تا با افزایش حق بیمه و عدم استقبال مشتریان برای استفاده از صنعت بیمه و کاهش سود مواجه نشوند.

دیه یا وجه‌المصالحه؟

رقمی که به عنوان دیه اعلام می‌شود اما لزوماً همان رقمی نیست که در پرونده‌های قتل از سوی خانواده مقتول خواسته می‌شود و در موارد بسیاری، اولیای دم طلب دیه‌هایی به مراتب بیش‌تر می‌کنند. قانون نیز این راه را نبسته است و مشکلی بر سر راه این خواسته نیست.

به دو نکته نیز لازم و ضروری است. اول آنکه اثبات میزان خسارات مازاد بر دیه باید اثبات شود، دوم آنکه دادگاه مکلف است در صورت اثبات میزان خسارات مازاد بر دیه بنابر تقاضای مدعی خصوصی حکم خسارات مازاد بر دیه را صادر کند، در مواردی هم که دادگاه عمومی کیفری در این خصوص حکمی صادر نکند خواهان می‌تواند برای مطالبه مازاد بر دیه با تسلیم دادخواست به دادگاه حقوقی مراجعه کند و ادعای «اعتبار امر مختومه» به واسطه رسیدگی آن دعوا در دادگاه کیفری صحیح نیست چرا که در دادگاه کیفری صرفاً برای مطالبه ی دیه حکم صادر شده است نه مازاد بر آن.

ارش و ضمان عاقله

ضمان عاقله، همواره مورد انتقاد حقوقدانان بوده است. وفق ماده ۴۶۸ قانون مجازات اسلامی: عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث به طوری که همه کسانی که حین الفوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی عهده دار پرداخت دیه خواهند بود. مقررات ضمان عاقله نیز در ماده ۴۶۹ مذکور تبیین شده است: عاقله در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن نسب مشروع، عاقل، بالغ و در مواقع پرداخت اقساط دیه، تمکن مالی داشته باشد.

اصل شخصی بودن مجازات‌ها امروزه یکی از اساسی‌ترین اصول حقوق کیفری به شمار می‌رود. به موجب این اصل فقط شخص مرتکب جرم مسئولیت کیفری دارد و به مجازات می‌رسد. در مفهوم مسئولیت جزایی نیز، صرفاً کسی که فعل مجرمانه را انجام داده یا ترک فعل کرده مجازات می‌شود و نه کسی دیگر. قبول مسئولیت جمعی که ضمان عاقله نیز یکی از مصادیق بارز آن است، از مختصات زندگی قبیله‌ای و دوره «انتقام خصوصی» است در حالی که در سایه ی تحول نهادهای حقوق کیفری بر حسب نظام اجتماعی، نژاد، دین و اقلیم گوناگون فراز و نشیب‌هایی به خود گرفته است و جوامع بشری مراحل زیادی را طی کرده‌اند تا به اصل شخصی بودن مسئولیت رسیده‌اند. در دوران نخستین که از آن به دوره انتقام خصوصی تعبیر می‌شود اگر فردی از یک قبیله به حقوق فردی از قبیله ای دیگر تجاوز می‌کرد، فعل او تعدی به تمام قبیله به شمار می‌آمد.

در این حال، ستمدیده حق داشت در پناه قدرت قبیله خود به دادخواهی برخیزد و ستمکار را به سزای اعمال خود برساند. گاه آتش انتقام جویی گسترده می‌شد و دامن خویشاوندان و نزدیکان بزهکار را نیز می‌گرفت؛ زیرا مسئولیت فردی در این دوره هنوز مفهومی نداشت.



و قضایی و فارغ از چرایی موضوع تعبداً مقطوعیت دیه را دال بر عدم جواز خسارات مازاد بر آن قلمداد کرده‌اند و صرفاً با عبارت دستوری «مطالبه ضرر و زیان و خسارات مازاد بر دیه فاقد مجوز قانونی یا موازین فقهی است» و نظایر آن حکم بر عدم جواز را صادر کرده‌اند.

لیکن در مقابل مشاهده می‌شود که آرا و نظراتی که خسارات مازاد بر دیه را جایز دانسته‌اند بر دلایلی چون مسئولیت مدنی، «قاعده لاضرر و لاضرار»، «قاعده تسبیب و اتلاف»، «مبنای عقلا مبنی بر قبح ظلم» و موادی از قانون مسئولیت مدنی به صحیح پافشاری کرده‌اند؛ به خصوص آن که طبق قانون مسئولیت مدنی هرگونه ضرر اعم از مادی و معنوی مسئولیت‌آور بوده و واردکننده آن موظف به جبران است و خساراتی همچون هزینه معالجه، خسارت از کارافتادگی، افزایش مخارج زندگی و حتی خسارت معنوی قابل مطالبه است. لذا براساس استناد به این دلایل حکم بر جواز مطالبه خسارات مازاد بر دیه را صادر کرده‌اند.

بنابراین خسارات مازاد بر دیه قابل مطالبه است البته توجه

و خریدار می‌تواند به جهت عیب از او غرامت بگیرد اختلاف است. بنابر قول نخست واجب است پرداخت ارش از جنس خود بها باشد.

اصطلاح «ارش جزایی» و «ارش جنایت» هم ناظر به غرامت صدمات عمدی و غیر عمدی نسبت به تمامیت جسمانی اشخاص است. ارش جزایی که به آن «ارش غیر مقدر» یا «ارش حکومت» یا «حکومت» نیز گفته می‌شود با ارش جنایت یا ارش مقدر تفاوت اندکی دارد و آن تفاوت در این است که مقدار ارش جزایی یا ارش حکومت را دادگاه معین و نسبت به آن حکم می‌کند و حال آنکه مقدار ارش جنایت را شرع یا قانون مشخص کرده است و دادگاه فقط همان را حکم می‌کند و نیازی به تعیین دادگاه نیست.

وفق ماده ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «ارش، دیه غیرمقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می‌کند. مقررات دیه مقدر در مورد ارش نیز جریان دارد، مگر این که در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود.

تفاوت ارش با دیه

جبران خسارات بدنی با پرداخت دیه یا ارش است اما، نوع و میزان خسارت دیه در قانون مشخص است ولی میزان خسارت ارش در قانون مشخص نیست.

به عنوان مثال در قانون جبران خسارت قطع شدن یک دست نصف یک دیه کامل است ولی دیه پاره شدن یک تار عصبی یا رگ در یکی از اعضای بدن، در قانون اعلام نشده که در خصوص جبران این نوع خسارت قاضی دادگاه به نظریه کارشناسی پزشکی قانونی متمسک می‌شود و پزشکی قانونی معمولاً این خسارت را با درصدی از دیه عضو بیان می‌کند و ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی دیه را چنین تعریف کرده است: دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است، به عنوان مثال: دیه قتل غیر عمد و دیه ی دندان

خسارت مازاد بر دیه

یکی از موضوعات مناقشه برانگیز در بحث دیه و ارش، امکان یا عدم امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه است که سال‌ها ذهن حقوقدانان، قضات و وکلای را به خود مشغول کرد.

بحث خسارات مازاد بر دیه که از جمله مصادیق آن می‌توان به ضرر و زیان ناشی از آن، هزینه دارو و درمان و معالجات و خسارات از کار افتادگی اشاره کرد باید گفت هر چند براساس

رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور و برخی آرای اصراری هیئت عمومی دیوان عالی و نظرات اداره حقوقی قوه قضاییه و یا نظر مشورتی پاره ای از قضات عدم جواز خسارات مازاد بر دیه برداشت و استنباط می‌شود اما با کمی تأمل مشاهده می‌شود که اولاً رأی وحدت رویه مارالذکر (شماره ۶۱۹) تأکید دارد بر این که چون طبق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی «ارش» برای مواردی است که دیه تعیین نشده است و از طرف دیگر براساس ماده ۴۴۲ قانون مزبور برای شکستگی استخوان چه در حالتی که بهبودی کامل پیدا می‌کند و چه در حالت عیب و نقص، دیه تعیین شده است؛ لذا در این حالت تعیین مبلغ مازاد بر دیه با ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی مغایرت دارد؛ بنابراین در این رأی وحدت رویه بحثی پیرامون خسارات مازاد بر دیه نیست بلکه می‌خواهد بگوید در این حالت علاوه بر دیه، ارش تعیین نشود.

ثانیاً - آرای اصراری هیئت عمومی دیوان عالی کشور و نظرات اداره حقوقی و نظرات عده‌ای از قضات که خسارات مازاد بر دیه را جایز ندانسته‌اند، بدون ارائه ادله و استنادات حقوقی

با این حال قانون دیه فقط به قوانین اسلام اختصاص ندارد. از قبایل آفریقایی گرفته تا ایران باستان و ادیان ابراهیمی دیه را در قوانین خود لحاظ کرده‌اند. البته در یهودیت بیشتر در قانون قصاص به عنوان چشم در مقابل چشم وجود دارد اما در دین مسیحیت که به دین بخشش معروف است قانون چشم در مقابل چشم مکروه است و در این میان اسلام دینی بینابینی است. بر اساس دین یهود، جان انسان متعلق به خداوند است بنابراین در یهودیت گرفتن خون‌بها در ازای قتل ممنوع است و نمی‌توان از طریق پرداخت دیه، خسارت را کاهش داد.

جایگزینی خون‌بها برای مجازات قتل

بررسی‌های اجمالی نشان می‌دهد که در بیشتر کشورهای جهان اعدام در ابتدا مجازات مسلم قتل عمد بوده است اما روند تغییر در قوانین کشورها به سوی حذف اعدام (به عنوان جای‌گزینی به عنوان دیه) چه برای قتل عمد و چه برای جرائم دیگر پیش می‌رود. در ۴۰ سال گذشته، حدود ۱۴۰ کشور (نزدیک به ۷۰ درصد از کشورهای دنیا) اعدام را به عنوان مجازات شدید و عامل بازدارنده از قوانین خود حذف کرده‌اند. در بیشتر این کشورها حبس و یا حبس‌های طولانی مدت به عنوان جایگزین اعدام برگزیده شده است. پیشنهاد دیه یا خون‌بها برای جایگزین کردن مجازات خشن اسلام برای قتل نفس است. میزان دیه به عنوان خون‌بها مقدار ثابتی است و با چانه‌زنی خانواده مقتول و قاتل محاسبه نمی‌شود.

خون‌بها

دیه به عنوان مجازات و غرامت قتل با عنوان Blood money در کشورهای غربی شناخته می‌شود. در این کشورها کارکرد دیه جبران خسارت و یا جلوگیری از ادامه خصومت است و باعث می‌شود مجرم از انتقام‌جویی شخصی افراد خانواده قربانی مصون بماند. به طور کلی پرداخت غرامت در کشورهای غربی با مفهوم دیه در قوانین مذهبی متفاوت است. پرداخت غرامت به فرد یا خانواده قربانی با هدف کاهش آسیب‌های ناشی از صدمه یا جبران خسارت انجام می‌شود و به عنوان نوعی از مجازات مجرم در نظر گرفته نمی‌شود.

با این حال قانون پرداخت خون‌بها پیش از این در میان قوم ژرمن پیش از ظهور مسیحیت مرسوم بوده است و میزان آن بر اساس نوع جرم؛ قتل و صدمه جسمی توسط قانون مشخص

بررسی راه‌حل‌های حقوقی جایگزین دیه در قوانین کشورهای دیگر جهان

نیلوفر جعفری

دیه در قوانین اسلامی مجازات مالی و غرامتی است که به قربانی یا بازماندگان او در زمان قتل، آسیب جسمی یا آسیب اموال داده می‌شود و از آن به عنوان جایگزینی بر قصاص قتل عمد یا غیر عمد یا نقص عضو یاد می‌شود. دیه که در زبان عربی به معنای خون‌بهاست، تنها در زمانی قابل استفاده است که قربانی یا خانواده قربانی می‌خواهند با مجرم یا خانواده او مصالحه کنند و در غیر این صورت کسی نمی‌تواند مانع قصاص شود.

میزان دیه نیز در طی تاریخ بر اساس جنسیت و دین و آیین قربانی متغیر بوده است. دیه در دوران مدرن در نظام حقوقی ایران، پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی نقش مهمی در قوانین جزایی دارد. در ایران و پاکستان دیه برای مسلمان و غیرمسلمان به یک شکل محاسبه می‌شود و در کشور عربستان سعودی با توجه به دین قربانی متغیر است. مفهوم دیه که در قوانین ایران برای اولین بار در سال ۱۳۶۱ به کار برده شد، تلاشی برای شناسایی مجازات‌های صدر اسلام بوده است اما هنوز درباره چپستی و جزئیات آن اتفاق نظر وجود ندارد. این اختلاف‌نظرها برآمده از اختلاف دیدگاه‌ها درباره چرایی لزوم پرداخت دیه در صدر اسلام بوده است.



می‌شد. قانون همچنین مشخص کرده بود که خون‌بها به چه کسی می‌بایست پرداخت شود. در این میان برای برخی از انواع قتل‌ها و جنایت‌ها، از دیه به عنوان پرداخت خسارت استفاده نمی‌شد؛ مانند قتل در معبد یا قتل کسی که در خواب است.

ایرلندی‌ها نیز در زمان قتل یا جنایت وحشتناک خون‌بها را به عنوان مجازات مجرم و جبران خسارت پرداخت می‌کردند. قانون پرداخت خون‌بها تا قرن شانزدهم میلادی نیز اجزا می‌شد. اگر قاتل فرار می‌کرد قبیله او می‌بایست خون‌بها را پرداخت می‌کرد.

در ولز نیز خون‌بها به خانواده قربانی داده می‌شد. در این قانون میزان خون‌بها به موقعیت قربانی و طریقه قتل بستگی داشت. مثلا مسموم کردن قربانی میزان خون‌بها را دو برابر می‌کرد. در میان آنگلو ساکسون‌ها و اقوام اسکاندیناوی نیز «ورگیلد» به عنوان خون‌بها یا جبران خسارت به املاک و دارایی‌ها شناخته می‌شد. مثلا اگر چیزی دزدیده می‌شد یا کسی مسموم یا کشته می‌شد مجرم باید به مالک یا قربانیان خسارت پرداخت می‌کرد.

پرداخت غرامت در کشورهای آسیایی

علاوه بر این پرداخت خون‌بها در کشورهای شرق آسیا مانند کره و ژاپن نیز رایج است. مثلا در ژاپن گرفتن خون‌بها که به آن «میماکین» گفته می‌شود مرسوم است. در قانون جزایی کره، حتی پس از گرفتن خون‌بها مجرم می‌بایست با مجازات عمومی جرم خود روبه‌رو شود. کره جنوبی در مجازات تجاوز نیز غرامتی را به عنوان خون‌بها برای قربانی تجاوز در نظر می‌گیرد.

در قوانین جزایی سومالی نیز خون‌بها در جرائمی مانند افترا، تهمت، سرقت، آسیب جسمی، تجاوز و قتل به عنوان جبران خسارت برای فرد قربانی یا بستگان آسیب‌دیده پرداخت می‌شود.

پرداخت دیه در کشور عراق نیز وجود دارد. گرفتن خون‌بها در قبایل بادیه نشین عراق با وجود قوه قضاییه سکولار همچنان مرسوم است.

چالش‌های کشورهای اسلامی در پرداخت دیه

در عربستان سعودی به عنوان یک کشور اسلامی زمانی که

فرد دست به قتل می‌زند دادگاه شریعت باید درباره خون‌بها تصمیم‌گیری کند. خون‌بها در عربستان سعودی نه تنها برای قتل بلکه برای مرگ‌های غیرطبیعی، مانند آتش‌سوزی، تصادفات جاده‌ای و حوادث صنعتی استفاده می‌شود. موضوعی که دیده‌بان حقوق بشر و دیگر نهادهای حقوق بشری در مورد دیه در عربستان بر آن انگشت می‌گذارند تفاوت میزان دیه برای قتل انسان مسلمان و غیرمسلمان است که آن را ناعادلانه و غیراخلاقی می‌دانند. براساس قوانین مجازات اسلامی عربستان سعودی دیه افراد مسیحی و یهودی نصف فرد مسلمان است و دیه افراد ادیان غیرابراهیمی یک‌ششم فرد مسلمان در نظر گرفته می‌شود. مساله نحوه پرداخت دیه در قوانین عربستان سعودی موضوعی بسیار بحث‌برانگیز است. در سال ۲۰۱۳ پدری که قاتل فرزند ۵ ساله خود بود با پرداخت دیه از زندان آزاد شد و این مساله از سوی نهادهای حقوق بشری مورد انتقادات فراوان قرار گرفت.

در کشور سنی‌نشین حنفی پاکستان، زوج مکمل دیه و قصاص از سال ۱۹۹۰ وارد قانون شده است. قانون ۱۹۹۰ جایگزین قوانین دوره انگلیسی است. قانون در پاکستان به گونه‌ای است که در هنگام وقوع قتل، به مصالحه و قبول دیه به جای قصاص تاکید دارد. در قانون جدیدی که با روی کار آمدن دولت دموکراتیک نواز شریف در سال ۱۹۹۷ ارائه شد، قانون قصاص و دیه، قتل را یک جرم خصوصی تعریف کرد و نه یک جرم علیه جامعه. بنابراین پیگیری و مجازات قاتل با خواست بازماندگان قربانی انجام می‌شود. در این قانون جدید همچنین تفاوت میان دیه مسلمان و غیرمسلمان حذف شده است و دیه به یکسان پرداخت می‌شود. در پاکستان در سال‌های اخیر بحث و جدلهایی در زمینه دیه در گرفته است. جدیداً افشا شده است که برخی از اعضای خانواده دختر به قاتل پول می‌دهند تا او را به دلایل ناموسی یا دعوی خانوادگی بکشد و سپس خانواده با پرداخت دیه، قاتل را از زندان آزاد می‌کند. مشکل دیگری که پس از ایجاد اصلاح قانون در پاکستان به وجود آمدن بحث قتل و آسیب جسمی افراد فقیر توسط اغنیا بوده است. زیرا تنها مجازاتی که در قانون برای این افراد در نظر گرفته شده، پرداخت غرامت است که برای اغنیا بسیار آسان است. به این ترتیب فرد می‌تواند دست به قتل بزند بدون آنکه نگران عواقب شدیدی از سوی قانون باشد.

برابری دیه زن و مرد چرا به نتیجه نمی‌رسد؟



مریم دهکردی

فهادی» باشد. او در فیلم سینمایی تحسین شده «شهر زیبا»، ماجرای خانواده‌ای را روایت کرد که نه به بخشش قاتل دخترشان که از قضا یک کودک، مجرم بود رضایت داشتند و نه امکان پرداخت مابه‌التفاوت دیه برایشان فراهم بود. بازی درخشان ترانه علیدوستی در نقش خواهر مجرم و فرامرز قربیبیان در نقش پدر مقتول هرگز از یادها نخواهد رفت. بحث برابری دیه زن و مرد برای اولین بار از نظر حقوقی چه زمانی مطرح شد؟

در دوره دوم ریاست جمهوری «محمود احمدی‌نژاد» حدود ۱۵۰۰ نفر از مبتلایان به بیماری هموفیلی به دلیل استفاده از فرآورده‌های آلوده خونی به بیماری‌هایی همچون اچ آی وی و هپاتیت مبتلا شدند و به موجب رای صادر شده در دادگاه مقرر شد دیه پرداختی به زنان و مردان متاثر در این پرونده برابر باشد.

سال گذشته نیز بررسی و جمع‌آوری امضا در موافقت با طرح برابری دیه زن و مرد در شورای مشورتی فقهی و حقوقی معاونت زنان ریاست جمهوری مجدداً در دستور کار قرار گرفت. پیش‌تر در تیرماه ۱۳۹۷ پروانه سلحشوری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی به رسانه‌ها درباره بررسی این طرح در مجلس خبر داده بود.

در آخرین واکنش به این اقدام نمایندگان مجلس، جعفر سبحانی از مراجع تقلید قم از نمایندگان مجلس خواست که

زن در کنار خیابان منتظر تاکسی بوده که دو مرد موتور سوار به سودای قاپیدن کیفیتش به او نزدیک می‌شوند. بند کیف را یکی از سارقان که عقب نشسته بوده می‌گیرد اما خلاف انتظارش زن مقاومت کرده و کیف را رها نمی‌کند. شاهدان حادثه می‌گویند زن را چند متری به دنبال خودشان می‌کشند و در این میان سر زن با آسفالت کف خیابان برخورد می‌کند و کشته می‌شود. سارق دستگیر می‌شود و به جرم قتل عمد زن در حین سرقت به قصاص محکوم می‌شود. در جریان آید و روند به دادگاه و در یکی از جلسات رسیدگی به پرونده؛ برادر جوان مقتول با متهم به قتل درگیر شده و با چند ضربه به چشمش او را از یک چشم نابینا کرده است. برای اجرای حکم قصاص قاتل هم دادگاه معین کرده که چون مقتول زن بوده و قاتل مرد؛ خانواده مقتول باید علاوه بر دیه نقص عضو سارق، مابه‌التفاوت دیه زن و مرد را به خانواده سارق پرداخت کنند تا حکم قصاص اجرا شود.

این یک داستان تخیلی نیست. روایت یک وکیل دادگستری است در پایتخت ایران. پرونده پیچیده‌ای که البته بخش پایانی‌اش برای او تازگی ندارد. اینکه اگر زنی کشته شده باشد و بخواهند قاتلش را قصاص کنند باید مابه‌التفاوت دیه را بپردازند.

شاید یکی از اولین کسانی که به این تبعیض پرداخت «اصغر

به این موضوع ورود نکنند و به رسالت خود بپردازند که به گفته او همان «رسیدگی به وضعیت معیشتی مردم» است. به باور اغلب مراجع تقلید شیعه در ایران مساوات دیه زن و مرد باید بررسی شود و اساساً مجلسیان صلاحیت بررسی این موضوع فقهی را ندارند.

بر اساس قانون مجازات اسلامی دیه زن همچنان نصف مرد است و تنها در صنعت بیمه، دیه مرد و زن با یکدیگر برابر شده است. این مصوبه در ۲۶ آبان ماه ۱۳۹۴ توسط مجلس تصویب و توسط شورای نگهبان تایید شد که پرداخت خسارت وارده به زبان دیدگان در حوادث رانندگی بدون در نظر گرفتن جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه‌نامه انجام شود که شورای نگهبان این مصوبه را تایید کرد.

چرا در اسلام دیه زن نصف دیه مرد است؟

«عبدالحمید معصومی تهرانی» از روحانیون نو اندیش ساکن تهران بر این باور است که در فقه سنتی این تبعیض‌ها وجود دارد اما دلایل عقلی برای آن موجود نیست. او وضع چنین قوانینی را محصول جوامع مردسالار می‌داند و معتقد است در این جوامع عموماً قوانین به نفع مردان نوشته می‌شوند.

محمد اولیایی فرد؛ حقوقدان، در خصوص قانون مجازات اسلامی و نابرابری دیه زن و مرد در می‌گوید: «مطابق ماده ۳۸۱ مجازات اسلامی مجازات قتل عمد قصاص است. ماده ۵۵۰ همین قانون هم صراحتاً اعلام کرده است که دیه قتل زن، نصف دیه قتل مرد است. بنابراین در خصوص پرونده ای که موضوعش را مطرح کردید حکم داده شده نادرست نیست.»

او البته به نکته دیگری هم اشاره می‌کند که حائز اهمیت است: «یک نکته را باید بدانید که این مابه‌التفاوت را نیاز نیست خانواده مقتول پرداخت کنند چرا که در تبصره ماده ۵۵۱ قانون‌گذار اعلام کرده است که تفاضل دیه از صندوق خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.»

محمد اولیایی فرد می‌گوید علیرغم تلاش‌های زیادی که در طول سالیان گذشته و بخصوص از دهه ۷۰ شمسی به بعد انجام شده موافقت با طرح برابری دیه زن و مرد همواره مواعی پیش روی خود داشته است: «برابری دیه زن و مرد به وجود نیامده چون دیه، قصاص و حدود در قرآن آمده است و نمی‌توانند آن را عوض کنند بلکه می‌توانند آن را دور بزنند. این کار را قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب سال ۹۲ انجام داده است.»

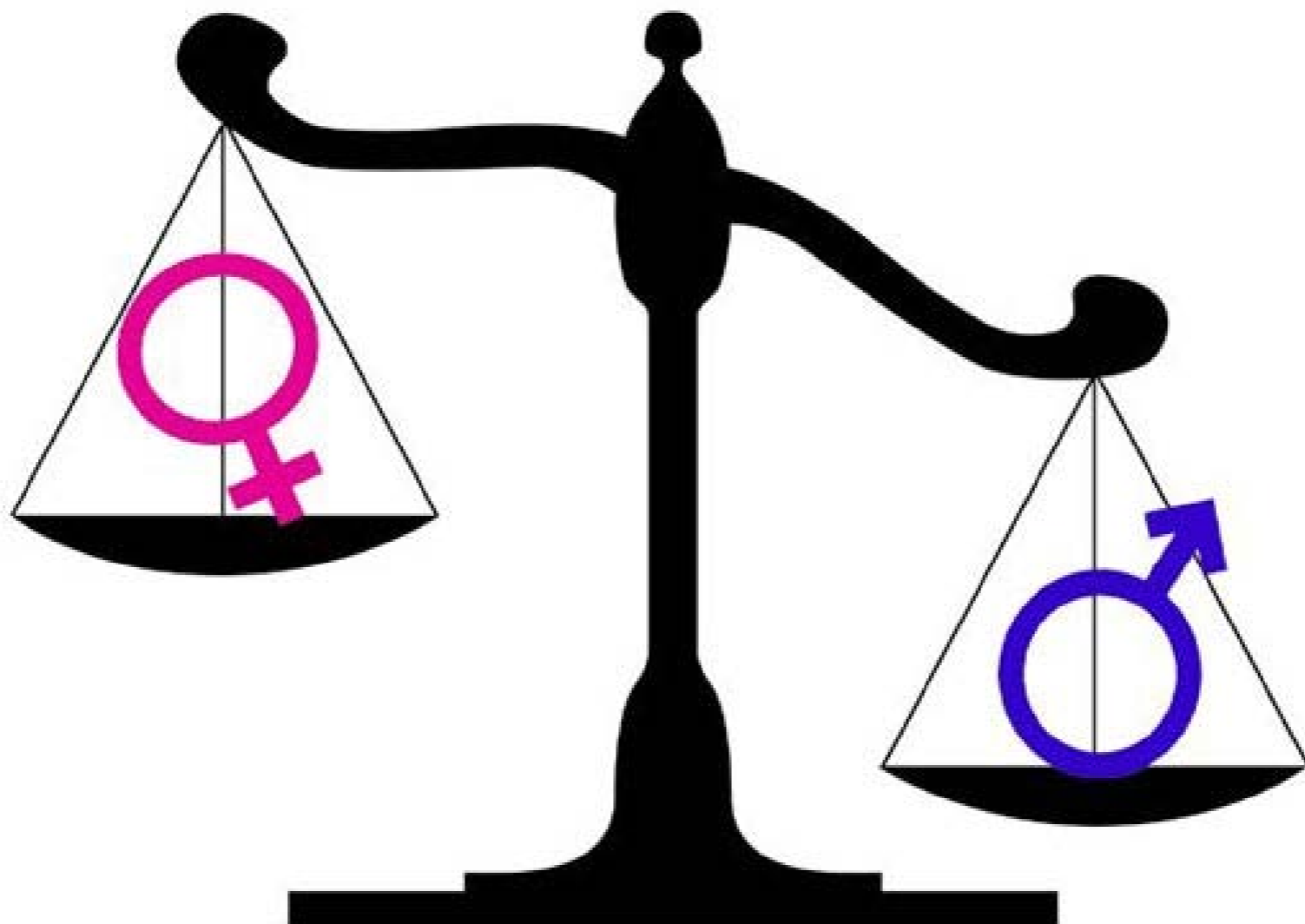
محمد اولیایی فرد در خصوص مشکلات پیش روی فعالان مدنی در طرح برابری دیه زن و مرد طی سالیان گذشته می‌گوید: «این برداشت فقهی در زمانی قابل اعتنا بوده که مرد در اصطلاح «نان‌آور خانه» بوده و زنان در تامین هزینه‌های زندگی مشارکتی نداشته‌اند اما متأسفانه تا زمانی که فقها با تغییر این قانون موافقت نکنند تلاش فعالان و نمایندگان مجلس به بار نمی‌نشیند.»

او یادآور می‌شود که برخی از چهره‌های شاخص تصمیم‌گیرنده در حوزه قوانین ایران، همچون «اکبر هاشمی رفسنجانی» موافقت خود را با برابری دیه زنان و مردان اعلام کرده و حتی تلاش‌هایی هم برای جلب نظر رهبر جمهوری اسلامی با این قانون صورت گرفته است.

رهبر ایران در گذشته بر تفاوت داشتن دیه زن و مرد اصرار داشت و این خود یکی از چالش‌های تصویب این قانون در شورای نگهبان بود. آیت‌الله خامنه‌ای پیش‌تر گفته بود: «مرد برای ورود در میدان‌های اقتصادی و مالی است. نه این که زن حق ندارد، چرا ولی زن گرفتاری دارد، زن زایمان دارد، شیر دادن دارد، ظرافت جسمانی دارد، ظرافت احساسی دارد، این‌ها در ناحیه مالی و اقتصادی و فعالیت‌های مربوط به این‌ها، برای زن محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. اما مرد این محدودیت‌ها را ندارد. اصلاً برای این است که بار مسایل اقتصادی را بر دوش بکشد. بنابراین، در امر دیه، بین دیه مرد و زن تفاوت وجود دارد.»

بعدها اما او در دیدار با زنان اصول‌گرای مجلس هفتم از قطعی نبودن قوانین مبتنی بر فقه سخن گفت و تاکید کرد که این قوانین «سخن آخر نیستند بلکه ممکن است با تحقیق یک فقیه ماهر و مسلم بر مبانی و متد فقهات، نکات جدیدی استنباط شود.» تغییر نظری که چندان در بحث برابر شدن دیه زن و مرد کارساز و موثر نبوده است.

قوانین ضد زن و تضادهای حقوقی و قانونی در ایران کم نیستند. علیرغم آنچه حاکمیت ایران ادعا می‌کند در حوزه‌های مختلفی از قانون، همچنان حقوق زنان نقض می‌شود. در قلمروی «قانون خانواده»، در حوزه قوانین «ارث» و همچنین «قانون مجازات اسلامی». اینگونه به نظر می‌رسد که با وجود فراز و نشیب‌های بسیار در طول سه دهه گذشته همچنان اراده جمهوری اسلامی بر نابرابری مرد و زن در جامعه است چه در وقت حیات و چه در ممات.



تجدید نظر است. آن‌ها می‌گویند احکام زیادی وجود دارد که به همین سیاق بعدها و به تناسب زمانه تغییر کرده اند مثل نابرابری دیه مسلمان و غیرمسلمان.

فراز و نشیب‌های پیگیری مطالبه برابری دیه زن و مرد نگاهی به تاریخچه تلاش‌ها برای برابری دیه مسلمان و غیرمسلمان در دهه ۸۰ نشان می‌دهد که مقدمه گفتمان برابری دیه زن و مرد هم در همین دوران رخ داده است. بعد از اینکه مصوبه «مجمع تشخیص مصلحت نظام» در خصوص برابری دیه مسلمان و غیرمسلمان با تلاش‌های نمایندگان مجلس ششم به سرانجام رسید، فعالان مدنی بخصوص اعضای کمیسیون یک میلیون امضا به تغییر در نابرابری دیه زن و مرد امید بستند اما در همان ابتدای کار صدای اعتراض فقهای ساکن قم بلند شد و تنها کسی که موافقت خود را با این طرح اعلام نمود «یوسف صانعی» از مراجع تقلید نواندیش بود.

چالش‌های دیه و قصاص: آیا می‌توان دیه را جایگزین مجازات قصاص کرد؟



معین خزانلی

یکی از چالش‌های اصلی قوانین کیفری در ایران به ویژه در موضوع جنایات و جراحات به عمد، بحث قصاص مرتکب است که در آن اولین مجازات پیش‌بینی شده از سوی قانونگذار حق قصاصی است که برای مجنی علیه یا اولیای دم او در نظر گرفته شده است. بر همین اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۳۸۱ خود مجازات اصلی جنایت به نفس یعنی همان «قتل عمد» را قصاص مرتکب تعیین کرده است. همچنین بر طبق ماده ۳۸۶ این قانون، «مجازات جنایت عمدی بر عضو» نیز قصاص عضو پیش‌بینی شده است.

علی‌رغم این تصریح قانونگذار در قانون مجازات اسلامی، اما همین قانون در مواد ۳۴۷ و ۳۶۰ خود این حق را برای مجنی علیه یا ولی دم او قائل شده تا در هر مرحله از دادرسی با گرفتن دیه مقرر یا مجانی یا هر مقدار مبلغ دیگری مصالحه کند و از قصاص مرتکب جنایت درگذرد. از سوی دیگر، ماده ۳۵۹ این قانون تقاضای اخذ دیه از مرتکب را تنها در صورت رضایت او مجاز دانسته است. به عبارت دیگر اگرچه عفو مرتکب و مطالبه دیه یا مبلغ دیگری برای مصالحه از اختیارات مجنی علیه یا ولی دم او محسوب شده است، اما بدون رضایت مرتکب، این امکان عملی نخواهد شد.

مطالبه دیه از مرتکب جنایت منوط به درخواست مجنی علیه یا ولی دم اوست. نه دادگاه و نه مرتکب هیچ یک مجاز به الزام آنها مبنی بر دریافت دیه و گذشت از قصاص نیستند. حال سوال اینجاست که اساساً اعطای اختیار انتخاب بین جان یک انسان یا مطالبه پول تا چه حد با مبانی و روح علم حقوق و فلسفه آن همخوانی دارد؟ چگونه می‌توان در راستای پاسداشت حق حیات انسان‌ها، مجازات دیه را به قصاص نفس یا عضو ترجیح داد؟



قصاص یا دیه؛ کدام اصل است؟

قانون موضوعه کیفری در ایران (قانون مجازات اسلامی) به ویژه در بحث مربوط به مجازات‌های حدی (قصاص و...) و دیات به طور کامل از احکام اسلامی و به ویژه نظرات فقهای شیعه پیروی کرده و از این رو قانونی مطلقاً دینی و بر پایه آموزه‌های فقهی اسلام است.

در همین زمینه، بنا بر نظر اکثریت فقهای شیعه مجازات قصاص در جنایات عمدی، قائم به دیگر مجازات‌ها بوده و به ویژه در قتل عمد، اساساً این مجازات قصاص است که موضوعیت شرعی دارد. در حقیقت در این نوع از جنایت، قصاص تنها مجازاتی است که بنا بر عقیده فقهای شیعه از حقوق مسلم و غیرقابل انکار اولیای دم محسوب می‌شود و حق آنها در اعمال و یا گذشت از آن کاملاً محفوظ است. بر همین اساس، از آنجا که حق اولیای دم تنها قصاص است، مطالبه دیه از مرتکب جنایت منوط به رضایت او است. بدین معنی که در صورت گذشت ولی دم از اعمال حق قصاص خود، مرتکب هیچ اجباری در پرداخت دیه نخواهد نداشت. در عین حال برخی دیگر از فقهای شیعه معتقدند که مجازات دیه و قصاص در بحث مربوط به جنایات عمدی دو مجازاتی هستند که در عرض یکدیگر قرار داشته و در صورت گذشت از یکی آن دیگری لازم خواهد شد. استناد این دسته از فقها حدیثی است از پیامبر اسلام که بر اساس آن هدر رفتن خون مسلمان مجاز شمرده نشده و در صورتی که مرتکب جنایت مورد عفو قرار بگیرد، پرداخت دیه واجب می‌شود.

نتیجه عملی این دو نظریه این است که در نظریه الزامی بودن قصاص به عنوان مجازات قائم و اصلی، اساساً حتی در تئوری نیز امکان تعمیم دیه و حذف مجازات اعدام وجود ندارد. چرا که تنها مجازات جنایت به عمد است. حال آنکه در نظریه دوم با توجه به در عرض یکدیگر بودن هر دو مجازات، به لحاظ نظری و عملی این امکان دیده می‌شود.

در ایران به گفته فراز فیروزی، پژوهشگر حقوق در دانشگاه هامبورگ آلمان «تصریح مواد ۳۸۱ و ۳۸۶ قانون مجازات اسلامی نشان از پیروی این قانون از نظریه اول است.» او می‌گوید: «محدودیت اعمال شده در اصل چهارم قانون اساسی مبنی بر لزوم تطابق تمامی قوانین از احکام اسلامی و همچنین اصل ۱۶۷ در مورد لزوم استناد به منابع اسلامی در



صورت نبود قانون توسط قاضی، و همچنین صراحت قانونی در قانون مجازات اسلامی، راه را برای هرگونه تفسیر دیگری در این زمینه بسته است.»

از این رو به گفته این پژوهشگر حقوق «با توجه به نظر مشهور فقهای امامیه در مورد اینکه جنایت عمدی صرفاً مشمول حق قصاص بر جانی می‌شود و همچنین رویه به شدت محتاطانه محاکم در ایران، در حال حاضر امکان جایگزینی دیه به عنوان مجازات قصاص در جنایات عمد به ویژه قتل نفس وجود ندارد.»

تبدیل اجباری قصاص به دیه؛ راه حلی که می‌توان به آن فکر کرد

علی‌رغم تصریح فقه شیعه و قانون مجازات اسلامی مبنی بر اصل بودن مجازات قصاص در جنایات به عمد، اما این حکم استثنائاتی دارد که در صورت وقوع، منجر به تبدیل دیه به عنوان مجازات اصلی جنایت به عمد به جای قصاص می‌شود. بر مبنای این استثنائات که در ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته‌اند؛ در مواردی که دسترسی به جانی به عنوان مرتکب جنایت ممکن نباشد، مانند اینکه جانی پیش از اجرای حکم یا پروسه محاکمه فوت کند یا فرار کند؛ این دیه است که به عنوان مجازات اصلی مورد توجه قرار گرفته و به درخواست صاحب حق از اموال جانی و در صورت عدم وجود اموال از بیت المال پرداخت می‌شود.

از سوی دیگر از آنجا که بر اساس ماده ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی «در جنایات شبه عمد، خطای محض و جنایت عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن نیست» نیز این دیه است که به درخواست مجنی علیه یا ولی دم او جایگزین قصاص شده؛ از این رو می‌توان استدلال کرد که در موارد عدم عامدانه بودن جنایت جانی و عدم امکان دسترسی به او دیه واجب شده و قصاص قابل رد است.

نتیجه عملی این مساله آن است که از آنجا که در موارد جنایات شبه عمد یا خطای محض، فلسفه الزام به اخذ دیه جبران خسارت وارده بر مجنی علیه و یا اولیای دم او و همچنین تلاش برای جلوگیری از تکرار وقوع جرم است؛ به نظر می‌رسد امکان تعمیم این حکم به جنایاتی که در آنها قصد مرتکب بر کشتن مجنی علیه نبوده اگرچه عمل او

کشنده بوده نیز وجود دارد.

همچنین با توجه به اینکه در موارد اعمال قصاص عضو، رعایت کامل مماثلت از شروط اجرای آن است در مواردی که این امکان وجود ندارد یا ترس از آسیب بدنی بیشتر از آنچه که بر مجنی علیه وارد آمده وجود داشته باشد، امکان تبدیل قصاص به دیه وجود دارد؛ می‌توان نتیجه گرفت که در موارد قصاص عضو امکان جایگزینی دیه به جای قصاص محتمل‌تر است.

ضمن اینکه اساساً اعطای حق اختیار بر انتخاب بین جان یک انسان یا دریافت خسارت به انسانی دیگر، خواه مجنی علیه یا ولی دم او، با توجه به شرایط روحی آنها کاملاً غیر انسانی و خلاف آموزه‌های علم حقوق است. چرا که در چنین شرایطی حب و بغض ناشی از ارتکاب جنایت و غلیان شدید احساسات ناشی از آن، قدرت تفکر منطقی را از انسان سلب می‌کند. به علاوه اینکه فلسفه وجود قوانین در جامعه بر داوری میان انسان‌ها در صورت وجود اختلاف و ایجاد هنجار بنا شده است. حال آنکه اعطای اختیار تعیین مجازات از سوی قربانی یا ولی دم او، امری مخالف با این اصل ذاتی قوانین است.

در نتیجه از آنجا که به گفته فراز فیروزی «حقوق فرآورده‌ای اجتماعی است، عدم توجه به مبانی روز اجتماعی در خلق قواعد حقوقی در عمل آن را تبدیل به قاعده‌ای متروک و در مقابل خواست عموم قرار می‌دهد»؛ با توجه به نظرات متفاوت و عمدتاً مثبت فقها و حقوقدانان در مورد احتمال جایگزین کردن دیه به جای قصاص، ظرفیت حقوقی و فقهی این تغییر به چشم می‌خورد.

اگر چه به اعتقاد فیروزی «با توجه به جایگاه فقه امامیه در قوانین ایران به ویژه قوانین کیفری، در حال حاضر تلاش برای ایجاد این تغییر از صلاحیت حقوقدانان خارج بوده و نیاز به همراهی فقها دارد.»

تغییری که در صورت وقوع می‌تواند به خشونت‌زدایی از قوانین کیفری موضوعه در ایران کمک کند و از اعمال مجازات غیر انسانی و خشن قصاص، هم در نفس و هم در عضو، جلوگیری کند.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
 دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
 ایران / محمود امیری مقدم
 سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار
 تماس با مجله: mail@iranhr.net

